

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۹

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۳

فصل نامه علمی - تخصصی عصر آدینه

سال نهم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۵

درنگی بر مفاهیم آخرالزمانی مکاشفه یوحنا در آثار تجسمی

^۱ سید امیر کوشه‌ای

^۲ احمد نادعلیان

چکیده

در این نوشتار، تلاش شده است با بررسی نمونه‌های متأثر از کتاب «مکاشفه یوحنا» در هنر مسیحی، به بررسی جایگاه و اهمیت این کتاب در هنرهای تجسمی مسیحی پرداخته شود. از آن جا که این کتاب، کلیدی‌ترین متن در عهد جدید به شمار می‌رود که به مباحث آخرالزمانی می‌پردازد، ضرورت چنین مطالعه‌ای در بحث‌های منجی شناسی مسیحی روشن است.

در زبان فارسی درباره سینمای آخرالزمانی در غرب، کارهای بسیاری انجام گرفته است، ولی سایر انواع هنرها به رغم اهمیت بالایشان معمولاً مغفول مانده‌اند. پس از معرفی کتاب «مکاشفه یوحنا» و مضامین آن، شماری از معروف‌ترین آثار ملهم از این کتاب را معرفی و بررسی کرده‌ایم.

واژگان کلیدی

مکاشفه یوحنا، هنر مسیحی، نقاشی.

۱. دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول) (amir-koushei@yahoo.com)

۲. استادیار دانشگاه شاهد تهران.

دین و هنراز دیرباز نسبتی وثیق با هم داشته‌اند. متون دینی نه تنها الهام بخش هنرمندان بوده‌اند، بلکه بسیاری از آثار هنری نیز برای جهات دینی خلق شده‌اند. مسئله منجی و نجات بخش نیز از سایر مقولات دینی مستثنا نبوده و وضعی مشابه دارد. مسیحیت نیز مانند سایر ادیان، الهام بخش هنرمندان بوده است. کلیسا حامی هنرمندان و خریدار بسیاری از آثار هنری و در دوره‌هایی تنها حامی و هنرپرور در کل قاره اروپا بوده است. با توجه به اهمیت داوری اخروی در دستگاه الهیاتی مسیحیت، جای تعجب نیست که توجه به مباحث آخرالزمانی در آثار هنری مسیحی نیز جایگاهی درخور یافته باشد. اگر بخواهیم در چارچوب نظریه سانحه ازلی میرچا الیاده مسئله را تبیین کنیم، با چنین وضعی مواجه خواهیم بود: حرکت جهان در مسیحیت با خلقت آدم ابوالبشر آغاز می‌شود و با اخراجش از بهشت از مسیر خود منحرف می‌گردد، ولی با قربانی شدن و عروج عیسی مسیح، امکان تصحیح این مسیر فراهم می‌شود. با بازگشت او در آخرالزمان و داوری مردگان این چرخه تکمیل شده و بسته می‌گردد. با توجه به این تقریر، اهمیت مباحث مربوط به داوری اخروی روشن خواهد شد.

کتاب مکاشفه یوحنا، آخرین کتاب در مجموعه عهد جدید است که بیست و دو باب دارد. از گذشته، مسئله مؤلف و سال نگارش آن محل اختلاف بوده است. تاریخ تألیف آن را عموماً حدود سال ۹۵ میلادی می‌دانند و البته برخی حدود سال ۷۰ میلادی را تاریخی درست‌تر می‌شمردند. هر کدام از دو تاریخ که صحیح باشد، این نکته مسلم است که این کتاب در دوره آشوب‌ها و آزارگری‌های سخت علیه کلیسای نوپا پدید آمده است (سیار، ۱۳۸۷: ۱۱۲۴-۱۱۲۵). واژه «apocalypse» (مکاشفه) به معنای «آشکارسازی» است و وحی الهی بر بشار آشکار شده است که او را در هجوم دشواری‌ها آرام و قرار دل باشد (همو: ۱۱۲۳).

مکاشفه یوحنا را با توجه محتوا، به شیوه‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند. در یک تقسیم، آن را شامل چهار بخش دانسته‌اند: مقدمه که درباره عنوان کتاب و نام نویسنده و چکیده مطالب کتاب است و سه بخش دیگر پس از آن می‌آید. در بخش اول، عیسی غرق در درخشش جلال، یوحنا را از مطالبی که باید به کلیساهای مختلف بگوید آگاه می‌کند و

در ادامه، هفت نامه خطاب به هفت کلیسای آسیا آمده است. بخش دوم شامل پنج رؤیاست و بخش سوم، بیان پیروزی نهایی عیسی علیه السلام بروحش ها و اژدها و داوری بی دینان و سعادت ابدی مؤمنان است (سیدحسینی، ۱۳۷۸: ۴۰۴۵). در تقسیم دیگری - که توجه بیشتری به جزئیات دارد - شانزده بخش برای آن برشمرده اند: ۱. مقدمه، ۲. عیسی در میان هفت کلیسا، ۳. نامه ها به هفت کلیسا، ۴. تخت، طومار، بره، ۵^۱. هفت مهر، ۶. هفت شیپور، ۷. شخصیت های مختلف و اتفاقات، ۸^۲. هفت جام، ۹. بابل، فاحشه بزرگ، ۱۰. شکرگزاری برای جشن عروسی بره، ۱۱. بازگشت مسیح، ۱۲. سلطنت هزار ساله، ۱۳. شکست خوردن شیطان، ۱۴. تخت بزرگ سفید داوری، ۱۵. آسمان جدید، زمین جدید، اورشلیم جدید، ۱۶. نتیجه گیری (محمدیان، ۱۳۸۱: ۳۱۸ - ۳۱۹).

آثار هنری ملهم از مکاشفه یوحنا

هنرمسیحی از دیرباز به کتاب مکاشفات یوحنا - که متنی آخرالزمانی است - توجهی ویژه داشته است. تصاویر ملهم از این کتاب در تاریخ هنرمسیحی از همان نخستین روزهایی که این هنر در پی یافتن و شکل دادن به زبان ویژه خود بوده تا به امروز، قابل پی گیری است. در گوردخمه های مسیحیان در قرون سوم و چهارم میلادی - که نخستین نمونه های هنرمسیحی را در خود جای داده بودند - با کاربرد حروف آلفا و امگا مواجه هستیم (Devonshire Jones, 2013: 9). حروف اول و آخر زبان یونانی که سه بار در مکاشفه یوحنا (۱: ۸؛ ۲۱: ۶؛ ۲۲: ۱۳) از قول عیسی علیه السلام در وصف خودش آمده است:

من الف و یاء و ابتداء و انتهاء و اول و آخر هستم. (مکاشفه یوحنا، ۲۲: ۱۳)

همچنین در معرق پشتخوان کلیسای سان ویتاله در قرن ششم میلادی، برای اشاره به عیسی مسیح علیه السلام تصویر بره ای را نشان می دهند (تصاویر ۳ - ۵). با این که در بخش های دیگری از عهد جدید نیز در اشاره به عیسی علیه السلام از تمثیل بره استفاده شده است، اما در مکاشفه، این تمثیل ۲۸ بار در اشاره به مسیح به کار رفته و پربسامدترین تعبیر در اشاره به آن حضرت به شمار می رود (O'Hear, 2015: 53).

۱. تخت در آسمان، طوماری که با هفت مهر، مهر و موم شده بود و بره قربانی شده.

۲. زن و اژدها، دو حیوان وحشی، بره و صد و چهل و چهار هزار نفر، دروی محصول زمین.

در قرن شانزدهم میلادی، باسمة‌های چوبی آلبرشت دورر در چهارده ورق بزرگ بر اساس این کتاب تصویرپردازی شده است (تصویر ۶) و در همین آغاز هزاره سوم، چهار سوار کتاب مکاشفات یوحنا اثر گوردون چونگ (تصویر ۷) نیز روایت‌گر معاصری از این کتاب است.

موارد یادشده، تنها نمونه‌هایی برای نمایش تداوم این سنت در هنر مسیحی بود و آثار، بسیار بیش از این‌هاست. این تأثیر را می‌توان در همه دوره‌ها پی‌گیری کرد، ولی چنین امری از عهده این نوشتار بیرون است و هدف ما نیز در این جا بررسی تمامی این موارد نیست.

از میان آثار هنری ملهم از مکاشفه با توجه به اهمیت باسمة‌های چوبی آلبرشت دورر و تأثیری که بر هنر پس از خود داشت، نخست به بررسی این آثار می‌پردازیم و در ادامه درباره شماری از آثار دوره‌های بعد تا زمان معاصر گفت‌وگو خواهیم کرد.

آلبرشت دورر (۱۴۷۱-۱۵۲۸ م) هنرمند آلمانی، زاده نورنبرگ از شاخص‌ترین چهره‌های هنری قرن شانزدهم اروپاست. تصاویر چاپی او نیز شهرتی هم‌پایه نقاشی‌هایش داشت. در آستانه سال هزار و پانصد که بسیاری از اروپاییان باور داشتند بازگشت دوباره مسیح در آن سال روی خواهد داد، باسمة‌های چوبی‌ای که آخرالزمان را به تصویر می‌کشیدند عرضه کرد. یکی از این تصاویر، چهار سوار^۱ است که از مشهورترین تصویرگری‌های کتاب مکاشفه یوحنا به شمار می‌رود و تأثیری جدی بر نمونه‌های پس از خود داشته است (تصویر ۶). در این تصویر است که برای نخستین بار در سنت تجسمی مسیحی از چهار سوار، انسان‌های قربانی را هم زیر سم سواران می‌بینیم. ناگهانی بودن واقعه آخرالزمان را گویا از طریق زنی که با وسایل خیاطی‌اش در جلوی تصویر آمده نشان داده است، گویی

۱. دیدم چون بره یکی از آن هفت مهر را گشود و شنیدم یکی از آن چهار حیوان به صدایی مثل رعد می‌گوید: بیا [و ببین] و دیدم که ناگاه اسبی سفید که سوارش کمانی دارد و تاجی بدو داده شد و بیرون آمد غلبه‌کننده و تا غلبه نماید. و چون مهر دوم را گشود حیوان دوم را شنیدم که می‌گوید: بیا [و ببین] و اسبی دیگر آتشگون بیرون آمد و سوارش را توانایی داده شده بود که سلامتی را از زمین بردارد و تا یکدیگر را بکشند و به وی شمشیری بزرگ داده شد. و چون مهر سوم را گشود حیوان سوم را شنیدم که می‌گوید: بیا [و ببین] و دیدم اینک اسبی سیاه که سوارش ترازویی به دست خود دارد. و از میان چهار حیوان، آوازی را شنیدم که می‌گوید: یک هشت یک گندم به یک دینار و سه هشت یک جوبه یک دینار و به روغن و شراب ضرر مرسا. و چون مهر چهارم را گشود، حیوان چهارم را شنیدم که می‌گوید: بیا [و ببین] و دیدم که اینک اسبی زرد و کسی بر آن سوار شده که اسم او موت است و عالم اموات از عقب او می‌آید و به آن دواختیار بربیک ربع زمین داده شد تا به شمشیر و قحط و موت و با وحوش زمین بکشند (مکاشفه، ۶: ۱-۸).

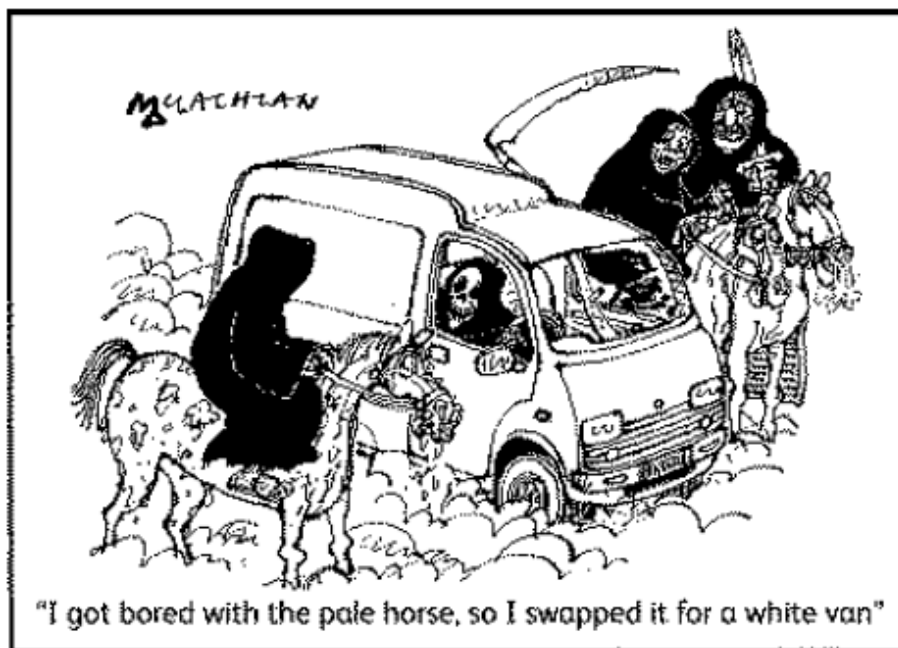
هم‌اینک از کار بازمی‌گشته. یکسانی واقعه آخرالزمان برای همگان را هم از طریق نمایش اسقف در میان قربانیان تأکید کرده است (O'Hear, 2015: 79-81).

پس از دور، جریان تصویرگری کتاب مکاشفه همچنان تداوم دارد. البته تفاوتی که برخی میان هنر پس از قرن بیستم با پیش از آن قائل هستند، در این جا نیز بروز دارد. از نظر ایشان، مهم‌ترین تفاوت هنر قرن بیستم و بیست و یکم با هنر پیش از آن در این است که تصویرپردازی دینی (مسیحی) در عصر مدرن، جزئی از فرهنگ تصویری معاصر شده است؛ از این رو می‌تواند یکسره بیرون از فضای عبادت و بندگی دینی به کار رود و فهمیده شود (ویلیامسون، ۱۳۹۱: ۱۵۵). در فرهنگ مسیحی، کتاب مکاشفه همواره دو معنا را هم‌زمان دربرداشته است: بشارت به مؤمنان درباره آمدن و برپایی اورشلیم جدید (مکاشفه ۲: ۲۱) و بیان عذاب‌های پیروان «جانور». به نظر می‌رسد در هنر معاصر، این جنبه مثبت بشارت، بخشی کنار گذاشته شده و تمرکز بر هراس‌های آخرالزمانی این کتاب بوده است و البته از منظری سکولار به آن پرداخته‌اند. توجه به آثار هنرمندانی مانند ماکس بکمان،^۱ اتودیکس،^۲ و فرانس ماسرل^۳ مؤید این نظر است (O'Hear, 2015: 245-249). در میان نمادهایی از مکاشفه یوحنا که در هنر مسیحی بسیار پر بسامد بوده‌اند، می‌توان به بره، چهار سوار، هفت مهر، روسپی بابل و اورشلیم جدید اشاره کرد.

باید توجه داشت که در فرهنگ و هنر سکولار معاصر، گاهی ارجاعاتی به مکاشفه یوحنا می‌یابیم، ولی بسیاری از این قبیل استفاده‌ها تنها برای تأکید مضامینی است که مؤلفان بنای انتقالش را دارند و بیش از این ارتباطی با مضمون و محتوای رساله مکاشفه ندارد. برای نمونه، گروه متالیکا در کارهایش دو اثر به نام‌های «چهار سوار»^۴ و «مکاشفه من»^۵ دارد، ولی اگر برای نمونه متن آهنگ مکاشفه من را در نظر آوریم، تنها تمرکز بر جهنم و پایان جهان است و بیش از این نسبتی با مکاشفه یوحنا ندارد. مشابه این استفاده در مجلات و حتی صحبت‌های سیاستمداران و مجریان برنامه‌های تلویزیونی و ... نیز قابل نشان دادن است. بحران مالی جهانی پس از سال ۲۰۰۸ و بحران‌های زیست‌محیطی

1. Max Beckmann
2. Otto Dix
3. Frans Masereel
4. The Four Horsemen
5. My Apocalypse

معاصر نیز زمینه را برای استفاده و ارجاع به نمادهای آخرالزمانی مکاشفه بیشتر فراهم آورده است. برای نمونه، در کارتون تصویر ۱ از نماد چهار سوار برای هجو زندگی معاصر امریکایی بهره گرفته شده است. این دست کاربردها بسیارند و اهی در کتابش نمونه‌های متنوعی از آن را برشمرده است.



تصویر ۱

اما فارغ از این دست نمونه‌ها و برخی مباحث کم‌اهمیت که مثلاً در سینما مشاهده می‌شود و همگی حکایت از گونه‌ای اقبال به بحث‌های آخرالزمانی در جهان معاصر دارند، می‌توانیم همچنان نمونه‌هایی از توجه هنرمندان به کتاب مکاشفه یوحنا و مضامین آن را در آثار بسیاری پی‌گیری نماییم. برای نمونه دو نمایشگاه در لندن در آغاز هزاره جدید به نسبت هنر معاصر و مکاشفه یوحنا پرداختند: اولی در موزه بریتانیا برگزار شد با عنوان «مکاشفه و صورتی که اشیا خواهند یافت»^۱ و دیگری با عنوان «مکاشفه: زیبایی و وحشت در هنر معاصر»^۲ در آکادمی سلطنتی برپا شد.

1. The Apocalypse and the Shape of Things to Come, the British Museum exhibition, 17 December 1999-24 April 2000
2. The Apocalypse: Beauty and Horror in Contemporary Art

هنرمند معاصر کپ گریشام^۱ در صورت‌نگاشت‌هایی که برای تفسیر کریستوفر بر مکاشفه یوحنا فراهم آورده، به تأمل در مکاشفه و مضامین آن مشغول شده است. تصاویر گریشام خاصیتی رؤیاگون دارند و البته به ترتیب تاریخی مکاشفه چندان ملتزم نبوده است. او به خلاف دورر که در باسمة هایش کاملاً به ترتیب تاریخی مکاشفه و نیز برداشت ظاهری از متن وفادار بوده، بیشتر دغدغه معنا و روح مکاشفات را دارد.



تصویر ۲

1. Kip Gresham
2. Christopher Rowland

در صورت نگاشتی که او از فصل ۱۷ مکاشفه یوحنا در سال ۱۹۹۳ میلادی ارائه داده است (تصویر ۲)، یوحنا به صورت هیکلی سفید در حال نظاره دریاست و در دریا «فاحشه بابل» به صورت اسکلتی تصویر شده که قایقی با باری نامعلوم را به سوی خود می‌کشد. فاحشه بابل در این اثر، به جای آن که مطابق سنت تجسمی غرب دست‌کم از زمان آلبرشت دورر به این سو، به صورت روسپی یا زنی با ویژگی‌های جنسی اغراق شده تصویر شود فاقد جنسیت است. گویا هنرمند با این تغییر، از مخاطب می‌خواهد فارغ از کلیشه‌های جنسیتی مرسوم یا در برخی موارد زن‌ستیزانه، در این اثر به تأمل بپردازد (O'Hear, 2015: 173-174).

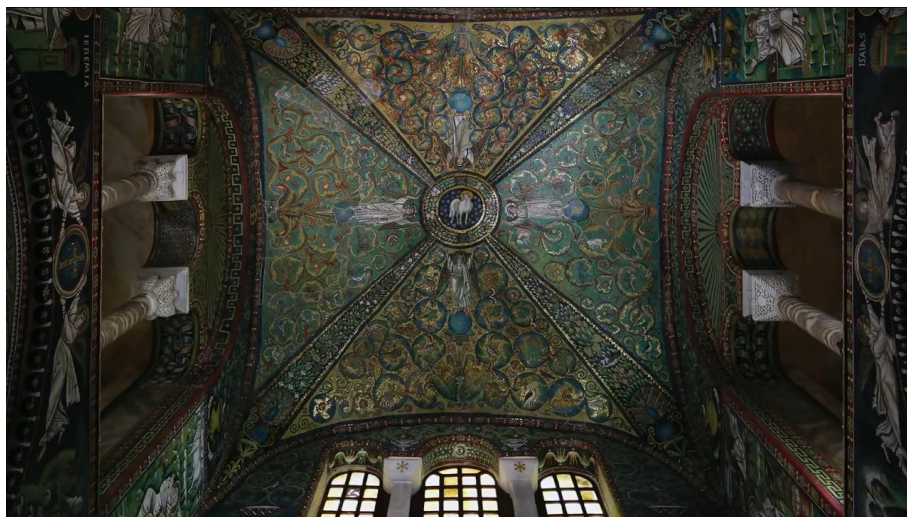
نمونه دیگری از آثار ملهم از مکاشفه یوحنا را می‌توان در آثار گوردون چونگ سراغ گرفت. سبک آثار او تلفیقی از علمی-تخیلی و سوررئالیسم است. چونگ با استفاده از بریده‌های صفحات اقتصادی روزنامه‌ها و نقاشی منظره، حس فروپاشی جهان و آخرالزمان را به مخاطبش منتقل می‌کند. فیگورهای انسانی عموماً در آثار او غایب هستند. تابلوهای او حتی آن‌که در صدد تصویر اورشلیم جدید است، فضایی تیره و تار دارد و گویا در آثار او نیز مانند سایر هنرمندان معاصر، خدا از جهان غایب است. هنرمندان معاصربه خلاف پیشینیان، چندان دغدغه تصویر کردن جزئیات مکاشفه یوحنا را ندارند و بیشتر تلاش دارند به سیاهی عالم در آخرالزمان بپردازند. آن‌ها حتی در اندیشه مباحث الهیاتی مکاشفه نیستند، بلکه در صددند با استفاده از برخی مضامین این کتاب به تأمل در مسائل جهان معاصر خودشان مشغول شوند.

نتیجه‌گیری

این نوع نگاه به دین در هنر معاصر، منحصر به مکاشفه یوحنا و آثار هنری متأثر از آن نیست، بلکه در همه هنرهای معاصر با وضعیتی مشابه روبه‌رو هستیم. به نظر می‌رسد برای فهم ابعاد مختلف هنر غرب ناگزیر باید ریشه‌ها و سیر تطور آن‌ها را در نظر آورد. فرهنگ غرب در جهان معاصر از طریق سینما و تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای و... در تار و پود فرهنگ‌های دیگر تنیده شده است و روز به روز نیز این تأثیرگذاری ابعادی تازه می‌یابد. به نظر می‌رسد روش مؤثر مواجهه با آن، شناخت بنیادهای فرهنگی اجتماعی آن و عبور از سطح ظاهری محصولات است. پس از درک ریشه‌هاست که امکان نقد جامع آن حاصل می‌شود و می‌توان مواجهه درست و مؤثری با این جهان داشت.



تصویر ۳. محراب کلیسای سان ویتاله، راونا، ۵۲۶-۵۴۷ م.



تصاویر ۴ و ۵. تصویر به در پشتخوان کلیسای سان ویتاله.



تصویر ۶. آلبرشت دورر، چهار سوار کتاب مکاشفات یوحنا، حدود ۱۴۹۸، باسمه چوبی، تقریباً ۳۸×۲۸ سانتی متر، موزه هنری متروپولیتن، نیویورک.



تصویر ۷. گوردون چونگ، چهار سوار کتاب مکاشفات یوحنا، لندن، ۲۰۰۹ م.

منابع

- کتاب مقدس (۱۹۹۲)، انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل.
- سیار، پیروز (۱۳۸۷ ش)، عهد جدید براساس کتاب مقدس اورشلیم (ترجمه)، تهران: نشر نی.
- دیویس و دیگران (۱۳۸۸ ش)، تاریخ هنرجسن، ترجمه: فرزانه سجودی و همکاران، تهران: ذهن آویز، فرهنگسرای میردشتی.
- سید حسینی، رضا (۱۳۷۸ ش)، فرهنگ آثار: معرفی آثار مکتوب ملل جهان از آغاز تا امروز، تهران، سروش (انتشارات صدا و سیما).
- فرای، نورتروپ (۱۳۷۹)، رمز کل: کتاب مقدس و ادبیات، ترجمه: صالح حسینی، تهران، انتشارات نیلوفر.
- محمدیان، بهرام (۱۳۸۱ ش)، دایرة المعارف کتاب مقدس، تهران، انتشارات سرخدار.
- ویلیامسون، بت (۱۳۹۱ ش)، هنرمسیحی، ترجمه: هادی ربیعی، تهران، انتشارات افق.
- Devonshire Jones, Tom, and Linda Murray, Peter Murray, 2013, *The Oxford Dictionary of Christian Art and Architecture*, Oxford.
- Elkins, James, 2004, *On the Strange Place of Religion in Contemporary Art*, Routledge.
- O'Hear, Natasha, and Anthony O'Hear, 2015, *Picturing the Apocalypse: The Book of Revelation in the Arts over Two Millennia*, Oxford University Press.